

فراز و فرود شعر سیاسی در جامعه ایرانی

۵ مهر ۱۴۰۲ ساعت ۱۴:۱۸

در شعر عصر مشروطه افکار عمومی به عنوان بازیگر اصلی وارد تحولات سیاسی و اجتماعی شد و شاعران نهایت تلاش خود را برای رسیدن به مخاطبان عام انجام دادند. از اینرو شعر و ادبیات از انحصار طبقه خاصی خارج شد و از سوی دیگر مخاطبان اصلی شعر توده مردم بودند. برای نخستین بار شعر و ادبیات به عنوان سلاحی فراگیر و تاثیرگذار در خدمت طبقه فرو دست جامعه قرار گرفت و به دلیل تاثیرگذاری تحولات سیاسی و اجتماعی دوران مشروطیت شعر این دوره بشدت سیاسی شد.

یکی از مهم ترین شاخصهای جامعیت یک پژوهش در جریان های شعری، شناخت پیشینه و پیوستگی تاریخی آن شعر در عصر و مقطع خاص خود می باشد. به عبارت دیگر با توجه به اینکه شعر به عنوان یک پدیده اجتماعی محصول تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و حتی نظامی زمانه خود می باشد، تمامی پدیده های محیط پیرامون انسان از جمله فرهنگ، عرف و آداب و رسوم، هنرهارها، ارزشها، احساسات و ... با برانگیختن احساسات پرشور شاعران در قالب سروده های مختلفی روی کاغذ آمده و سینه به سینه بین مردم نقل می شود و شعراء مفاهیم و مضامین مورد نظر خود را در قالب کلماتی موزون و نظام مند به عنوان شعر به رشته تحریر در می آورند. زمانی که این اشعار به عنوان یک پدیده اجتماعی در یک فرایند تاثیرپذیری متقابل با محیط پیرامونی خود از جمله عالم سیاست و حکومتداری قرار می گیرد، به رشد نوع خاصی از شعر به نام شعر سیاسی کمک می کند. باید بگوییم که شاعران هر عصری زمانی به سمت اشعار با مضامین و مفاهیم سیاسی و اجتماعی گرایش پیدا می کند که جامعه از حالت تعادل سیاسی و اجتماعی خود خارج شده باشد و به تعبیر دیگر و بر مبنای نظریه های جامعه شناختی دچار یک بحران سیاسی و اجتماعی شده باشد. مسایلی از قبیل فقر، فساد سیاسی و اقتصادی حاکمان، فقدان آزادیهای سیاسی و اجتماعی، مداخله بیگانگان در امور داخلی کشور، استبداد و وابستگی هیات حاکمه به بیگانگان، جدایی حاکمیت و مردم، نادیده گرفتن عرف و ارزشهای مردم توسط حاکمیت و ... همواره در طول تاریخ ایران دستمایه شاعران بسیاری شده است و باعث خلق آثار و اشعار گران سنگی با محوریت مضامین فوق شده است؛ دقیقاً اینجاست که شعر سیاسی با مضمون انتقادی خود مورد استقبال عموم جامعه قرار می گیرد و مردم با توسل به اشعار شاعران سیاسی به نوعی مطالبات خود را به هیات حاکمه مطرح می نمایند. البته ناگفته نماند که بعضی از شاعران از اشعار خود به عنوان ابزاری برای آگاهی بخشی به توده های مردم که به نوعی با سانسور خبری حاکمیت از اوضاع زمانه خود غافل بودند، استفاده

می کردند؛ شاعرانی از قبیل فرخی یزدی، میرزاده عشقی، عارف قزوینی، دهخدا، نسیم شمال، ملک الشعرای بهار و ... افرادی بودند که با اشعار خود سعی داشتند توده مردم را از ظلمی که در حق آنان می شوند آگاه سازند و با تحریک اذهان عمومی مردم را علیه حکومت وقت بشورانند و با پیگیری آرمانها و مطالبات مردم، جامعه مطلوب و آرمانی را در ذهن مردم به تصویر بکشاند.

بدیهی است هر حکومتی مخصوصاً حکومت‌های استبدادی چنین وضعیتی را بر نمی‌تابند و اغلب شاعران بهای سنگینی را بابت سروده‌های خود می‌پردازند. تاریخ معاصر ایران مملوء از مصادیق و نمونه‌هایی است که در آن شاعران آزاده‌ای قربانی استبداد حاکمان می‌شوند؛ افرادی نظیر فرخی یزدی، میرزاده عشقی، جهانگیرخان صور اسرافیل و ... کسانی بودند که با سرودن اشعار مخالف حکومت با جان خود معامله کردند و قربانی ظلم حکومت‌های استبدادی و خوکامه زمانه خود شدند. از آنجایی که در طول تاریخ معاصر ایران همواره شعر سیاسی به عنوان یک نماد اراده عمومی در کنار تحولات سیاسی و اجتماعی ایفای نقش کرده است؛ برای اینکه درکی واضح و روشن از اشعار سیاسی دوران مختلف تاریخ معاصر ایران داشته باشیم، باید تاریخ شعر سیاسی ایران را به مقطع زمانی مختلف تقسیم بندی نماییم؛ تا شعر هر دوره را با شرایط و مقتضیات زمانی خاص خود بررسی نماییم.

شعر سیاسی در دوره پیش از مشروطه؛ دوران ادبیات کلاسیک

در بررسی تاریخ تطور ادبیات فارسی، از این دوره به عنوان ادبیات کلاسیک فارسی نام برده می‌شود که تقریباً از نیمه اول قرن سوم ه. ق آغاز و تا دهه‌های پایایی قرم ۱۳ ه. ق با پیدایش ادبیات شبه مدن دوران مشروطه پایان می‌یابد. به طور کلی ادبیات این دوره بیشتر دارای مضامین تعلیمی، دینی و عرفانی بوده و شاعران بیشتر از زبان تمثیل و نماد برای بیان مقاصد خود استفاده می‌کردند. شعر حافظ و نثر سعدی را می‌توان به عنوان نماینده دوره ادبیات کلاسیک مطرح نمود. مشخصه بارز ادبیات این دوره، جدایی توده مردم از شعر و شاعری بود. ادبیات و شعر در انحصار اقشار خاصی از مردم و افراد وابسته به دربار شاهی بود. درون مایه و مضامین اشعار این دوره نیز بیشتر مدح پادشاهان، وصف زیباییهای طبیعت، عشق و عاشقی، مضامین عرفانی و پند و اندرز بود؛ البته در دوره صفویه برخی از شاعران تلاشی جهت احیای هنر و ادب دینی و اسلامی انجام دادند که تا حدود زیادی نیز موفق شدند و لذا اشعار دینی زیادی در مدح و منقبت اولیای دین سروده شد. تقریباً از اواخر دوره صفویه شاعران تا حد زیادی با شیوه‌های تفکر غربی و نظم اروپایی آشنا شدند و مضامینی نظیر آزادی از طریق روسیه، هند و امپراطوری عثمانی در ایران رواج یافت و تعدادی از افراد نظیر میرزا ملکم خان و سید جوال الدین اسدآبادی تلاشهایی را برای انتشار افکار آزادیخواهانه در ایران صورت دادند.

شعر سیاسی در دوران مشروطه؛ عصر بیداری

نخستین دوره ادبیات شبه مدرن به سبک غربی را می‌توان ادبیات دوره مشروطه نام نهاد که از سالهای دهه ۱۲۸۵ ش شروع و تا سال ۱۳۰۰ ش ادامه می‌یابد. در این دوره ما شاهد تالیف نخستین رمانها به زبان فارسی هستیم و همچنین شعر نو در کنار رواج سایر قالبهای شعری ظاهر می‌شود. در تاریخ ادبیات فارسی از شعر این دوره به عنوان شعر عصر بیداری یاد می‌شود و چون چهره فرهنگی، سیاسی و اجتماعی ایران در نتیجه انقلاب مشروطیت کاملاً دگرگون شده بود؛ شعر و ادبیات شعری نیز با بازگشت به سوی مردم دچار تغییرات و دگرگونی‌های شگرفی شده بود. به عبارت دیگر در شعر عصر مشروطه افکار عمومی به عنوان بازیگر اصلی وارد تحولات سیاسی و اجتماعی شد و شاعران نهایت تلاش خود را برای رسیدن به مخاطبان عام انجام دادند. از اینرو شعر و ادبیات از انحصار طبقه خاصی خارج شد و از سوی دیگر مخاطبان اصلی شعر توده مردم بودند. برای نخستین بار شعر و ادبیات به عنوان سلاحی فراگیر و تاثیرگذار در خدمت طبقه فرو دست جامعه قرار گرفت و به دلیل تاثیرگذاری تحولات سیاسی و اجتماعی دوران مشروطیت شعر این دوره بشدت سیاسی شد و از این رو حکومت‌های وقت بنای دشمنی با شاعران و سروده‌های

سیاسی آنها را می گذارند و لذا پرداختن به مسایل وطنی و دغدغه های عموم مردم به عنوان معیاری برای تشخیص شعر خوب و بد قلمداد می شود. شاعران عصر مشروطه عموماً چون از بطن و متن جامعه برخاسته بودند عمدتاً با جریانهای مشروطه خواه و آزادیخواهانه زمانه خود همراه شدند و لذا از شعر به عنوان ابزاری برای پیشبرد اهداف گروهی و سیاسی خود استفاده نمودند؛ ضمن اینکه با اختراع روزنامه و مطبوعات و انعکاس اشعار سیاسی در این مطبوعات، شعر این دوره فراگیرتر شده بود. از لحاظ سبک شعری همانطور که اشاره کردیم چون مخاطب اصلی این شعر توده مردم بودند شاعران برای تاثیرگذاری بیشتر شعر خود را با زبانی ساده و روان بیان نمودند و دیگر از آرایه ها و زبان ورزیهای فاخرانه دوره کلاسیک خبری نبود و گاهی حتی شاعران برای تاثیر بیشتر به تصنیف و ترانه روی می آوردند. مهم ترین مضامینی که در اشعار شاعران این دوره انعکاس و برجستگی داشت عبارت بودند از آزادی، برابری، عدالت، وطن، قانونگرایی، استقلال مبارزه با استعمار و استبداد، ملی گرایی، تجدد و نوگرایی، انتقاد از وضعیت سیاسی و اجتماعی و ... ادبیات مشروطه به لحاظ محتوایی رویکرد انتقادی نسبت به مظاهر فساد و انحطاط قاجاری داشت، ولی در وجه غالب و مبانی خود صبغه سکولاریستی دارد و با شاکله مبتنی بر روشنفکری و شبه مدرن غربگرا، رویکرد سکولاریستی به خود می گیرد و این ویژگی در آثار میرزا ملکم خان و میرزا فتحعلی آخوندزاده بیشتر نمود دارد. به لحاظ جهت گیری شعری نیز، ادبیات دوره مروج اصلاحات شبه مدرنیستی است و مخاطبان را به سمت تجدد، ترقی و مضامینی مثل دموکراسی، قانون گرایی و پارلمانتاریسم سوق میدهد. از شاعران این دوره در قلمرو نظم و نثر می توان به میرزا فتحعلی آخوندزاده، عبدالرحیم طالبوف تبریزی، زین العابدین مراغه ای، حاج سیاح، میرزا علی اکبر طاهرزاده صابر، میرزا آقاخان کرمانی، ادیب الممالک فراهانی، عارف قزوینی، علی اکبر دهخدا و ... اشاره نمود.

جمع بندی

به عبارت دیگر شعر سیاسی با مطرح نمودن موضوعات و تحولات سیاسی آن دوران که اغلب با مساله حاکمیت، قدرت سیاسی و کارکردهای آن در جامعه ارتباط داشت، توانست خود را با دغدغه های عموم جامعه پیوند زند. برخی از آنها مهم ترین دغدغه های عموم افراد جامعه را بیان می کردند، برخی با انتقاد از وضعیت سیاسی و اجتماعی زمانه خود، حاکمان و سیاستمداران را مورد هجو و ذم قرار می دادند و برخی دیگر نیز مهم ترین تحولات سیاسی و اجتماعی را در قالب شعر بیان می کردند. این نوشتار با این پیش فرض که شعر سیاسی به دلیل ماهیت خود در هر قالب و سبکی که سروده شود، از تحولات سیاسی و اجتماعی زمانه خود متأثر است؛ فراز و فرود شعر سیاسی در طول تاریخ معاصر (از ابتدای پیدایش تا پایان انقلاب مشروطه) را مورد بررسی قرار داد.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/49329/فراز-شعر-سیاسی-فرود-فراز/49329>